

بررسی میزان آگاهی زنان از خود، نقشها و وظایف و حقوق خود و ارتباط این آگاهی با تحصیلات

فرزانه کرباسیان^۱

شهربانو جلائی^۲

چکیده

این مقاله خلاصه‌ای از نتایج پژوهشی است که با هدف بررسی میزان شناخت زنان از خود، نقشها و وظایف خود، حقوق خود و ارتباط این آگاهیها با تحصیلات رسمی و غیررسمی دریافت شده صورت پذیرفته است.

جامعه آماری این پژوهش را زنان شهرستان بجنورد تشکیل می‌دهند که نمونه‌ای به حجم ۳۰۰ نفر با روش تصادفی طبقه‌ای - خوشه‌ای از این جامعه انتخاب گردید. در این تحقیق از روش زمینه یابی (توصیفی - همبستگی) استفاده گردیده است. جهت جمع آوری اطلاعات پرسشنامه‌ای با ۷۶ سؤال که توسط محققین ساخته شده با ضریب اعتبار ۰/۸ و روانی محتوای بالا، به کار برده شده است. روشهای تجزیه و تحلیل اطلاعات عبارتند از آمار توصیفی، ضریب همخوانی خی دو (χ^2) تحلیل واریانس تک متغیره و چنده متغیره، ماتریس همبستگی، آزمون آماری کروسکال - والیس، رگرسیون چند متغیره.

نتایج نشان دادند که میزان آگاهی زنان از متغیرهای مورد بررسی متوسط و در این میان شناخت زنان از حقوق خویش کمتر از سایر مقوله‌های شناخت می‌باشد. همچنین میزان شناخت و آگاهی زنان با تحصیلات رسمی رابطه معنا دار دارند و عواملی همچون موفقیت‌های شخصی، نوع شغل زنان، سرگرمیهای رایج آنان و وضعیت اقتصادی خانواده نیز با آگاهی زنان رابطه مستقیم دارد. نیز شناخت زنان از نقشها و وظائف اجتماعی - شغلی به مراتب پایین تر از شناخت ایشان از نقشها و وظائف خانوادگی نشان داده شده است. علاوه بر نتایج اصلی فوق الذکر، تحقیق دربردارنده نتایج فرعی دیگری در زمینه رابطه انواع شناختها و نقش عوامل شخصی و خانوادگی در میزان شناخت می‌باشد.

۱. کارشناسی ارشد روان سنجی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد

۲. دکترای روان شناسی

مقدمه

کسب آزادی و اختیار از سوی زنان، با تسلط آنان بر زندگی خویش آغاز می‌شود. حاکمیت بر زندگی، افراد را قدرت می‌بخشد تا خویشان درونی خود را بسط بیشتری دهند. کشف قدرت درونی و توان بالقوه انجام کار و اعمال آن در محیط اطراف خود ابتدا با کشف خویش و تحول زندگی شخصی فرد آغاز می‌شود. شناخت خویش آغاز نوگرایی و تحولی است که نتیجه آن جامعه را نیز فرا می‌گیرد. رسیدن به شناخت خود و یا هر یک از حیطه‌های توانایی فردی صرفاً در نتیجه کسب آگاهی امکان پذیر است. عبارت بهتر بسط و گسترش وجود، تواناییها، قدرت و کارآئی زنان در قلمرو زندگی فردی و اجتماعی نتیجه افزایش شناخت آنهاست و این شناخت معلول افزایش آگاهی است.

روی دیگر این واقعیت، زیانها و آسیبهای وارد بر فرد و جامعه در نتیجه ناآگاهی زنان و عدم کسب شناخت نسبت به خویشان و حیطه‌های توانایی شخصی است. جامعه و واحد اولیه و بنیادین آن، خانواده، تنها در صورتی به کمال کارآئی و بهره‌وری از استعدادهای خویش نائل می‌آید که زنان بعنوان قشر سازنده نیم جامعه، مؤثر در سرنوشت نیم دیگر و ستون زیربنای خانواده، به ایفای نقش مؤثر و شکوفا پردازد.

ایفای نقشهای شکوفا و مؤثر فردی و اجتماعی در حیطه‌های قلمرو خانواده یا جامعه در صورتی امکانپذیر خواهد بود که در پرتو آگاهی و شناخت تکوین یابد. بنابراین طیف زندگی فردی و اجتماعی زنان از هر سو، چه در افتادن به حضیض بردگی جنسی، اقتصادی و فرهنگی و چه رسیدن به اوج تعالی شخصیتی و رشد و شکوفائی اجتماعی به یک مسئله باز می‌گردد و آن میزان ((آگاهی و شناخت)) است. این شناخت نقطه آغازین شکل‌گیری تلقی و تصور از خود، رشد اعتماد به نفس، میزان عزت نفس و نهایتاً تعیین‌کننده انتخاب زن از خویش و نوع زندگی خویش خواهد بود.

نا آگاهی در هر یک از ابعاد، فرد را آسیب پذیر دریافت زیان و صدمه از آن ناحیه می‌سازد. عدم آگاهی نسبت به خویش، خصوصیات شخصیت، تواناییها، استعدادها، تمایلات و رغبتها و احساسات و افکار شخصی، زمینه ساز ابهام در مورد اهداف و انتخابهای فرد و ایجاد تعارض نسبت به آنها خواهد بود. عدم آگاهی نسبت به نقشها و وظائفی که فرد به عنوان یک زن در عرصه خانواده و جامعه بعهدہ دارد و نیز وظائف و نقشهائی که صرفنظر از جنسیت به دلیل الزامات، هنجارها و بایستگیهای فردی و اجتماعی بعهدہ او می‌باشند، بارزترین دلیل عدم ایفای مؤثر آن نقشها و وظائف و عدم تلاش در جهت استکمال آنها می‌باشد. نیز عدم آگاهی نسبت به حقوق فردی، طبیعی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی، همواره در طول تاریخ بنیادی ترین دلیل نادیده گرفته شدن زنان در همه ابعاد فوق الذکر و روا داشتن استثمار و تبعیض نسبت به ایشان بوده است.

تحقیق حاضر با اولویت دادن به مسئله آگاهی در رشد، اقتدار و احقاق حقوق زنان، در پی آن است که میزان آگاهی زنان جامعه مورد مطالعه در حیطه‌های مورد بحث را بررسی و رابطه آن با میزان تحصیلات و آموزش دریافتی در طول زندگی را مطالعه نماید.

آگاهی از خود^۱ فرایندی شناختی^۲ است که در جریان رشد ذهنی از نخستین مراحل کودکی صورت می‌گیرد. کودک ابتدا به وجود مستقل خویش آگاهی ندارد (پیازنه ۱۹۵۲)^۳ و این آگاهی را به تدریج در جریان رشد کسب می‌کند. در جریان تحول روانی، انسان به شناخت خویش، جهان اطراف و وقایع آن نائل می‌گردد. مفهوم شناخت

1. self_awareness

2. cognitive

دربردارنده‌ی تمام دانشی است که آدمی به دست می‌آورد و شامل تفکر، حافظه، تشکیل مفهوم و ادراک می‌شود (پیاژه ۱۹۵۲)۴.

عوامل متعددی بر کیفیت این شناخت تاثیر می‌گذارند. ساختهای ژنتیکی مؤثر بر رشد، جنسیت، مرحله‌ی تحولی یا سن و عوامل محیطی از مهمترین آنها می‌باشند. کیفیت شناخت خود زیر بنای ساختارهای عاطفی شخصیت نظیر تصور از خود^۵، اعتماد بنفس^۶، عزت نفس^۷، هویت شخصی^۸، و نهایت دانش شخصی^۹ می‌باشد.

فرد بر اساس این دانش شخصی به تعامل با محیط می‌پردازد، اطلاعات خود از خویشتن و دنیا را توسعه می‌بخشد، درگیر روابط بین فردی میگردد و رفتارهای مختلف انطباقی^{۱۰} یا غیر انطباقی^{۱۱} را شکل می‌دهد. در خلال تعاملات اجتماعی و قرار گرفتن در تجربیات تبادل با محیط فرد پسخوراندی^{۱۲} نسبت به جنبه‌های مختلف شخصیت، هویت و اساساً موجودیت خود دریافت میکند.

بدین ترتیب شناخت نسبتاً ثابتی از احساسات، افکار، تمایلات، تواناییها، اهداف و انگیزه‌ها و کلاً شخصیت خود به دست می‌آورد. با نقش‌ها و وظایف خود در قبال موقعیتها و افراد آشنا میگردد و دانشی نسبت به آنها پیدا می‌کند. به تدریج درکی از جایگاه خود در محیط خانواده و جامعه به دست می‌آورد. همراه با فرآیند رشد اخلاقی، ادراکی نسبی از «درستی» و «نادرستی» کسب میکند و اندیشه اولیه حق و ناحق را در جریان رشد اخلاقی و متناسب با رشد ذهنی پایه ریزی میکند. «در سطح اخلاق

- 5 .self_image
- 6 .self_confidence
- 7 .self_esteem
- 8 .self_identity
- 9 .self_knowledge
- 10 .adaptive
- 11 .maladaptive
- 12 .feed_back

قراردادی^{۱۳} (۷- ۱۵ سال) فرد در سازگاری و هماهنگی با نظم اجتماعی و تمایل برای حفظ آن بوده و اعتقاد دارد که هر کس باید وظیفه‌ی خود را انجام دهد تا از هرج و مرج جلوگیری شود» (لطف آبادی ۷۹، ص ۱۱۳)

هویت جنسی^{۱۴} فرایندی روانشناختی است که به موازات رشد کسب می‌گردد و بر تمام جنبه‌های شناخت فرد از خویش و محیط تاثیر می‌گذارد. تحقیقات متعددی نشان می‌دهند که تشخیص خود به عنوان دختر یا پسر با شکل گیری نوع متفاوتی شناخت از خود، نقش‌ها، وظائف، رفتارها، تواناییها، اهداف و نگرشها و ... همراه است. نظریه شناختی دیگر از مارتین^{۱۵} و هالورسون^{۱۶} (۱۹۸۱ و ۱۹۸۷) به عنوان نظریه طرح جنسیتی معرفی شده است و حاکی از آن است که ایجاد فعالانه طرح جنسیتی توسط خود کودک باعث تداوم و گسترش قابلیت‌های مربوط به این موضوع می‌شود و به تدریج علایق و نگرشها و الگوهای رفتار جنسی خود را شکل می‌دهد. (لطف آبادی ۷۹، ص ۸۵).

شناخت از خود در زنان طی هزاران سال به گونه‌ای متفاوت از مردان شکل می‌گیرد و بر همه جنبه‌های روانی و رفتاری و حیطة‌های عمل و ایفای نقش زنان تاثیر می‌گذارد.

علاوه بر پیشینه نظری تحقیق به منظور بررسی سابقه مطالعات انجام شده و به منظور بررسی تازگی و بداعت تحقیق و مقایسه نتایج تحقیقات پیش در مورد زنان ایران، پژوهشهای انجام شده در مورد زنان بطور کلی و پژوهشهای انجام شده در مورد آگاهی زنان به طور اختصاصی مورد بازنگری قرار گرفتند که حاصل این جستجو و از میان آنها تحقیقات مرتبط با موضوع این تحقیق در جدول زیر خلاصه شده است:

^{۱۳} .Conventional morality level

^{۱۴} - Gender

^{۱۵} - Martin

^{۱۶} - Halverson

جدول یک: توزیع فراوانی پژوهش‌های مورد بررسی درباره‌ی موضوع تحقیق حاضر در ایران.

منابع	فراوانی تحقیقات با موضوع کلی زنان	فراوانی تحقیقات انجام شده درباره میزان آگاهی زنان	تأثیر آموزش بر آگاهی زنان
چکیده تازه های تحقیق ۷۸-۱۳۷۰	۳۹	-	-
مرکز اطلاعات و مدارات علمی ایران	۱۸	۲	۳
پژوهشنامه دانشگاه آزاد اسلامی ۷۹-۱۳۷۸	۳۶ پژوهش ۲ مقاله	۱) آگاهی افراد نسبت به حقوق (زنان)	-
فصلنامه تعلیم و تربیت از سال چهارم (۱۳۷۷) تا سال دهم (۱۳۷۳)	-	-	-
کتابخانه دانشگاه علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد	۴	-	-
کتابخانه دانشگاه آزاد بجنورد	۷	-	-
کتابخانه دانشگاه آزاد شیروان	۱	-	-
جمع	۱۰۷	۳	۳

همانطور که در جدول بالا مشاهده می‌گردد، پژوهش‌هایی که درباره زنان در مطالعات انجام شده که در بخش پیشینه پژوهش گردآوری گردیده ۱۰۷ پژوهش بوده است و درباره میزان آگاهی زنان ۳ پژوهش و بررسی تأثیر آموزش بر آگاهی زنان نیز ۳ تحقیق یافت شده است. (یعنی فقط ۲/۸ درصد از پژوهش‌ها درباره زنان، به میزان شناخت آنان اختصاص داده شده است).

ولی همانطور که ملاحظه می‌گردد در تمام این تحقیقات اولاً مسائل و مشکلات زنان بررسی گردیده و ثانیاً میزان آگاهی در مورد حقوق زنان و مسائل بهداشتی مطالعه

شده و تأثیر آموزش بر این آگاهیها مورد بررسی قرار گرفته است. با در نظر داشتن حقایق پیرامون نقش و وظائف زنان که به آنها اشاره شد و تأثیر آگاهی یا عدم آگاهی شناخت زنان بر چگونگی این نقشها و وظائف به نظر می‌رسد که نخستین قدم بررسی علمی مسائل زنان مطالعه میزان آگاهی ایشان از خویش است.

این آگاهی از خود در تحقیق حاضر در حیطه‌های آگاهی از خصائص و ویژگیهای خود (افکار، احساسات، تمایلات، خصوصیات شخصیت و ...)، آگاهی از نقشها و وظائف (خانوادگی، اجتماعی، جنسیتی) و آگاهی از حقوق (عمومی و مدنی) تقسیم بندی و مطالعه شده است.

طبیعتاً آگاهی در همه حیطه‌ها رابطه مستقیم و گاه غیر مستقیمی با آموزشهایی دارد که فرد در طول زندگی آنها بهره‌مند بوده است. سطح تحصیلات، به عنوان شاخص عمومی آموزشهایی که فرد دریافت کرده است متغیر دوم این تحقیق است که رابطه آن با میزان آگاهی در حیطه‌های ذکر شده، مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین تحقیق حاضر در صدد پاسخ دادن به این مسئله است که: میزان آگاهی زنان از خود، نقشها و وظائف خود، و حقوق خود چقدر است و آیا این آگاهی با سطح تحصیلات آنها ارتباط دارد؟

به منظور یافتن پاسخ سؤال اصلی تحقیق با توجه به مطالعات مقدماتی، شواهد مربوط به نقشها و آگاهیهای زنان و تجارب محققین، سؤالات و فرضیه‌های زیر صورت بندی می‌گردند:

۱. میزان آگاهی زنان از خود چقدر است؟
۲. میزان آگاهی زنان از نقشها و وظائف خود چقدر است؟
۳. میزان آگاهی زنان از حقوق خود چقدر است؟
۴. میزان آگاهی زنان با تحصیلات رابطه مستقیم دارد.

۵. در بین زنان با سطح تحصیلات یکسان میزان آگاهی به سایر عوامل تربیتی، خانوادگی، سطح رشدی و اجتماعی افراد بستگی دارد.

روش

در پژوهش حاضر از آنجائیکه هدف توصیف میزان شناخت زنان از مسائل مختلف خود و رابطه این شناخت با تحصیلات بوده است. روش تحقیق بکار برده شده توصیفی - همبستگی می باشد.

و با توجه به مسئله اصلی پژوهش حاضر که عبارت است از اینکه: «میزان شناخت زنان شهرستان بجنورد از خود، نقشها و وظائف و حقوق خود چقدر است؟» و آیا این شناخت با میزان تحصیلات زنان شهرستان بجنورد رابطه معنا دار دارد. جامعه آماری این پژوهش را کلیه زنان بالاتر از ۱۵ سال که در سال ۸۱ و ۸۲ در شهر بجنورد و روستاهای تابعه ی آن زندگی می کنند تشکیل می دهد که در جامعه مورد نظر صفات مشخصه عبارتند از:

جنسیت، سن و محل سکونت و سایر صفات افراد جامعه تماماً جزء متغیرها هستند که در تحقیق حاضر میزان آگاهی از خود، نقش و وظائف و حقوق خود سطح سواد به عنوان صفات مورد مطالعه (متغیرهای اصلی) مورد مطالعه قرار گرفته اند و صفاتی مانند وضعیت تاهل، شهری یا روستایی بودن، شاغل بودن و نوع شغل و وضعیت اقتصادی، اجتماعی که جزء صفاتی هستند که در نتیجه ی پژوهش تاثیر گذار می باشند به عنوان متغیرهای تعدیل کننده و کنترل به شمار آمده اند. همچنین در این راستا بر اساس حجم نمونه های آماری تحقیقات پیشین در شهرستان بجنورد و با توجه به اصول نمونه گیری از بین کلیه زنان ۱۵ سال به بالای شهرستان بجنورد که به عنوان جامعه آماری مورد مطالعه قرار گرفته اند ۳۰۰ نفر با روش تصادفی طبقه ای - خوشه ای به عنوان نمونه ی آمارپژوهش حاضر انتخاب گردیده اند.

جهت جمع آوری شواهد و اطلاعات لازم و داده های تجربی برای حمایت از فرضیه ها از پرسشنامه محقق ساخته که یکی از رایج ترین ابزار گردآوری اطلاعات در مطالعات و پژوهش های زمینه یابی می باشد استفاده گردیده است.

بدین منظور ابتدا اطلاعاتی که جهت آزمون فرضیه مورد نیاز بود بر اساس کاربرد منطقی فرضیه با عنایت به اصول استدلال قیاسی فرصت بندی گردید و بر این اساس پرسشنامه ای شامل ۷۶ سؤال طراحی شد که سؤالات از نوع چندگزینه ای بوده و از ۲ بخش اصلی، سؤالات هویتی و سؤالات مربوط به سنجش میزان شناخت که اندازه گیری آن هدف اصلی این پژوهش می باشد، تشکیل شده است و سؤالات این بخش نیز در ۳ قسمت شناخت از خود، شناخت از نقش ها و وظائف و نهایتاً میزان شناخت از حقوق خود تنظیم گردیدند.

ضریب اعتبار پرسشنامه ساخته شده که با استفاده از فرمول آلفای کربنباخ $0/82$ بدست آمده نشانگر همگونی و هماهنگی درونی سؤالات و مواد تست و در واقع معرف میزان همپوشی مناسب سؤالات پرسشنامه از لحاظ بخش یک ویژگی مشترک (میزان آگاهی) می باشد و روایی محتوایی پرسشنامه نیز توسط کارشناسان در مقیاس خوب و بسیار خوب رتبه گذاری شده است.

تجزیه و تحلیل اطلاعات و یافته های پژوهش

اطلاعات مربوط به فرضیه های اول تا چهارم یعنی نمرات میزان شناخت آزمودنیها از خود، از ((نقشها))، ((وظائف خود)) و ((شناخت آزمودنیها)) از حقوق خود، مرتب شده و مورد محاسبه میانگین و انحراف معیار قرار گرفتند. نتایج حاصله در جدول ۲ ارائه گردیده اند:

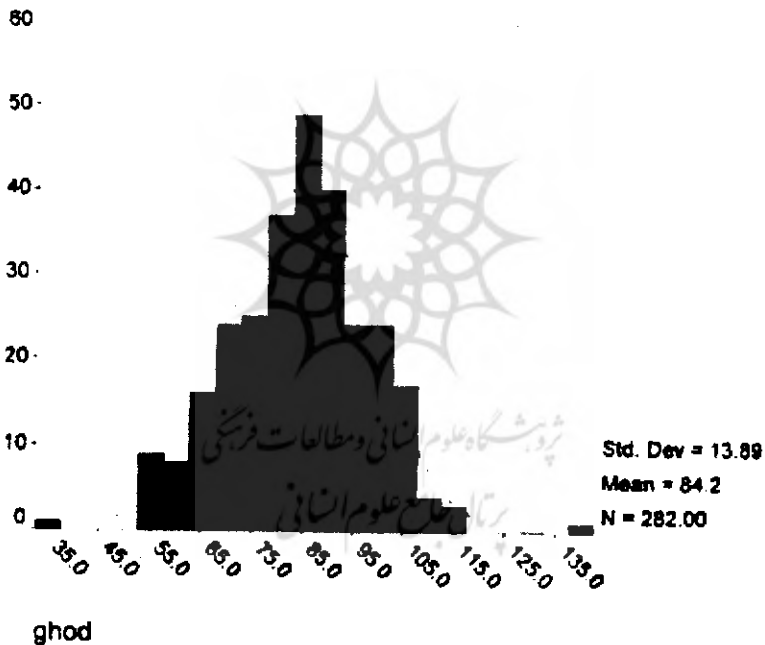
جدول شماره ۲ میانگین و انحراف معیار شناخت های زنان از خود، نقشها و وظایف، حقوق خود و مؤلفه های مربوط به هر یک.

Descriptive Statistics

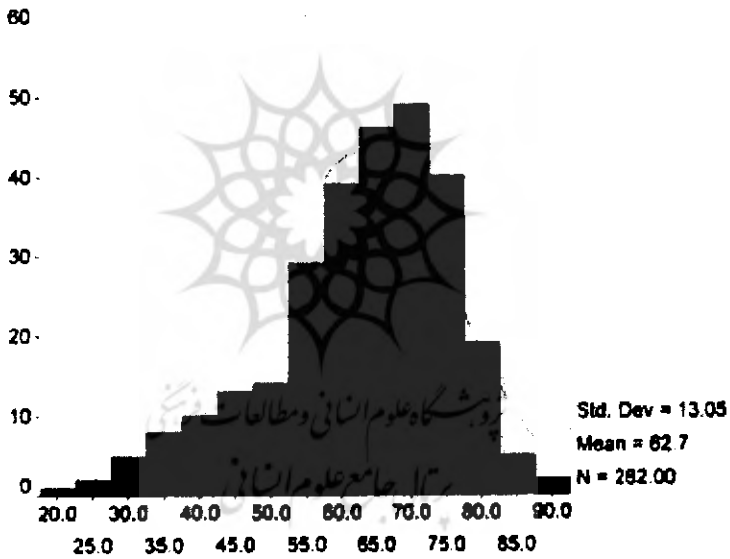
	Mean	Std.Deviation	N
TKAR	29.36	5.726	283
ahsas	24.62	4.936	283
ahdaf	12.48	3.144	282
ngshsh	17.67	5.944	282
sojob	17.50	3.948	282
family	33.06	8.868	282
gensity	12.14	4.464	282
hoghgomo	10.30	4.392	282
hoghgsm	23.75	6.872	282
GHOD	84.17	13.894	282
VZAEF	62.71	13.052	282
HOGHOG	34.05	9.371	282

نمودارهای مربوط به اطلاعات فرضیه های اول تا چهارم

نمودار ۱: شناخت از خود

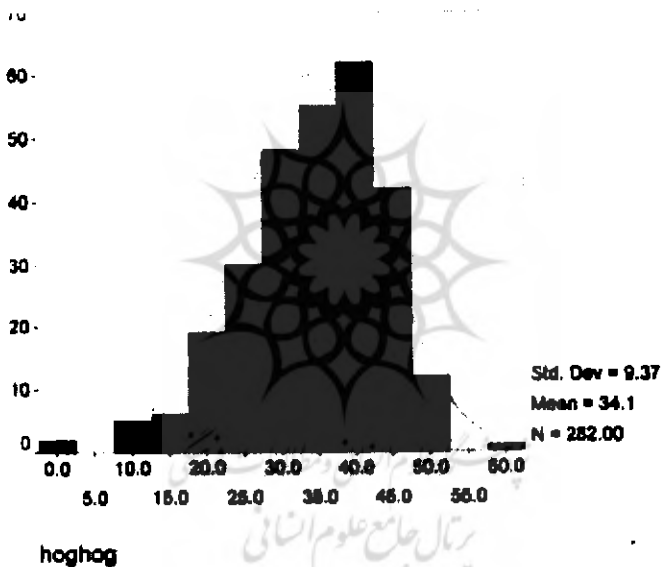


نمودار ۲: شناخت از نقشها و وظائف

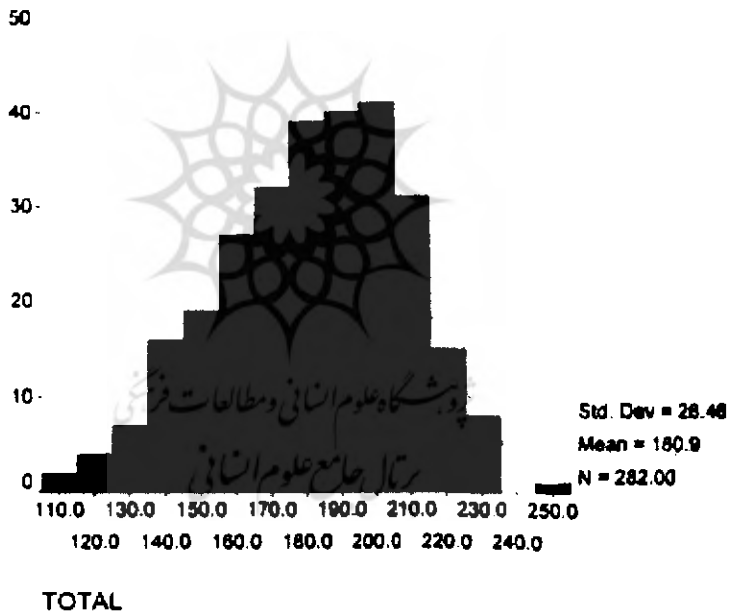


vzaef

نمودار ۳: شناخت از حقوق



نمودار ۴ : نمودار کلی از میزان آگاهی



به منظور بررسی رابطه متقابل بین مؤلفه‌های هر یک از مقوله‌های شناخت زنان (متغیر مورد پژوهش) از ماتریس همبستگی استفاده گردید. که در این ماتریس همبستگی دوازده آیتم‌های شناخت از نقشها و وظائف خود، شناخت از حقوق، مورد محاسبه قرار گرفته است. که می‌توان نتایج بسیار زیادی را از این ماتریس (جدول شماره ۳) استخراج نمود. برای نمونه می‌توان رابطه شناخت از خود با شناخت از حقوق و همچنین رابطه بین مؤلفه‌های شناخت از خود یعنی شناخت از احساسات و... را با تک تک مؤلفه‌ها مورد بررسی قرار داد.

در بررسی فرضیه چهارم تحقیق با استفاده از تحلیل واریانس چند متغیره اطلاعات بدست آمده از میزان شناخت و سطح تحصیلات آزمودنیها، تجزیه تحلیل شدند. همچنین تاثیر سطح تحصیلات همسر، پدر و مادر بر میزان آگاهی زنان با همان روش (تحلیل واریانس چند متغیره) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

جدول شماره ۳: ماتریس همبستگی بین مقوله ها و مؤلفه های شناخت زنان

	afkar	ahsas	ahdaf	Nghah	wojob	famly	Genesity	hohgomo	hohgam	GHOD	VZAEF	HOGHOG
afkar	437 000 282											
ahsas	334 000 282	432 000 282										
ahdaf	264 000 282	199 001 282	231 000 282									
nghah	042 182 282	165 005 282	158 007 282	225 000 282								
wojob	196 001 282	249 000 282	270 000 282	109 068 282	122 041 282							
famly	307 000 282	280 000 282	225 000 282	095 112 282	053 378 282	579 000 282						
genesity	142 017 282	123 039 282	090 134 282	068 258 282	023 695 282	085 156 282	123 038 282					
hohgomo	178 003 282	282 000 282	198 001 282	150 012 282	065 276 282	152 010 282	203 001 282	353 000 282				
hohgam	774 000 282	737 000 282	615 000 282	659 000 282	208 000 282	278 000 282	317 000 282	151 011 282	281 000 282			
GHOD	251 000 282	315 000 282	308 000 282	175 003 282	403 003 282	914 000 282	751 000 282	107 073 282	193 001 282	359 000 282		
VZAEF	197 001 282	264 000 282	185 002 282	142 017 282	059 328 282	151 011 282	207 000 282	727 000 282	898 000 282	277 000 282	191 001 282	
HOGHOG												

پرتال جامع علوم انسانی

جدول شماره ۴: همبستگی میزان آگاهی زنان با تحصیلات خود، همسر، پدر و مادر

Effect	value	F	Hypothesis	Error	si
Intercept p-values					
Trace	.903	992.332	3.000	114.000	.000
Wilks					
Lambda	0.37	992.332	3.000	114.000	.000
Hotelling					
S Trace	26.114	992.332	3.000	114.000	.000
Roy's					
Largest	26.114	992.332	3.000	114.000	.000
Root					
Eduapadar p-values					
Trace	.124	1.248	12.000	348.000	.248
Wilks	.880	1.251	12.000	301.907	.247
Lambda					
Hotelling					
S Trace	.133	1.250	12.000	338.000	.247
Roy's					
Largest	.98	2.831	4.000	116.000	.028
Root					
TAHMODAR P-values					
Trace	.98	.958	12.000	348.000	.489
Wilks					
Lambda	.906	.953	12.000	301.907	.494
Hotelling					
S Trace	.101	.847	12.000	338.000	.500
Roy's					
Largest	0.62	1.791	4.000	116.000	.135
Root					
EDUHMSR p-values					
Trace	.077	1.014	9.000	348.000	.428
Wilks					
Lambda	.925	1.008	9.000	277.597	.434
Hotelling					
S Trace	.050	1.001	9.000	338.000	.438
Roy's					
Largest	.064	2.106	3.000	116.000	.103
Root					
EDUKHOD p-values					
Trace	.203	2.789	9.000	348.000	.003
Wilks					
Lambda	.806	2.876	9.000	277.597	.003
Hotelling					
S Trace	.233	2.918	9.000	338.000	.002
Roy's					
Largest	.187	7.214	3.000	116.000	.000
Root					
EDUPADAR p-values					
Trace	.167				
Trace	.840	1.136	18.000	348.000	.315
Wilks					
Lambda	.184	1.144	18.000	322.928	.308
Hotelling					
S Trace		1.151	18.000	338.000	.301
Roy's					
Largest	.133				
Root		2.563	6.000	116.000	.023
THMODAR					

نتیجه گیری

با در نظر گرفتن تمام نتایج اصلی و فرعی به دست آمده از این تحقیق می توان

ادعا نمود که:

۱. آگاهی زنان از خود، نقش ها و وظائف و حقوق خود متوسط است.
۲. شناخت زنان از حقوق خود کمتر از سایر شناختها می باشد.
۳. میزان آگاهی زنان با تحصیلات رسمی آنان رابطه مستقیم دارد.
۴. متغیرهای مختلف شناخت زنان (شناخت از خود، شناخت از نقش ها و وظائف، شناخت از حقوق) با تحصیلات رسمی رابطه مستقیم دارد.
۵. از میان سایر عوامل موثر بر شناخت زنان، موفقیتهای شخصی خود زنان، وضعیت اقتصادی خانواده، نوع سرگرمیهای زنان با میزان آگاهی آنان ارتباط معنادار دارد.
۶. زنان متأهل شناخت بیشتری از وظائف و نقشهای خود دارند.
۷. مشاغل رایج در خانواده، محل تولد، محل سکونت، موفقیتهای برجسته در خانواده و درآمد شخصی خود زنان رابطه ای با میزان آگاهی زنان ندارد.
۸. بین متغیرهای مختلف تعیین کننده شناخت (شناخت از خود، شناخت از نقش ها و وظائف، شناخت از حقوق) رابطه وجود دارد و با بالا بودن یکی از شناختها، بالا بودن دو متغیر دیگر همراه است.
۹. در میان مولفه های تعیین کننده شناخت از خود، شناخت از شخصیت بیشترین تاثیر را دارد.
۱۰. در میان مولفه های تعیین کننده شناخت از نقشها و وظائف زنان، شناخت از نقشها و وظائف خانوادگی بیشترین تاثیر را دارد و به میزان قابل توجهی با سایر

- مؤلفه‌های تعیین کننده شناخت از نقش‌ها و وظائف (نقشها و وظائف اجتماعی و شغلی، نقشها و وظائف جنسیتی) تفاوت دارد.
۱۱. افزایش شناخت زنان از خود در افزایش میزان شناخت ایشان از حقوقشان موثر است.
۱۲. زنان از حقوق طبیعی و عمومی خود آگاهی چندانی ندارند و میزان شناخت ایشان از حقوق خود، به اندازه‌ی قابل توجهی به آگاهی ایشان از حقوق مدنی بستگی دارد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ:

۱. دلاور، علی. ۱۳۷۶. روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی. نشر ویرایش. چاپ سوم.
۲. لطف آبادی، حسین. ۱۳۷۹. روانشناسی رشد ۲، انتشارات سمت. چاپ دوم.
۳. پژوهشنامه دانشگاه آزاد اسلامی ۷۹-۱۳۷۸.
۴. چکیده تازه های تحقیق ۷۸-۱۳۷۰.
۵. کتابخانه دانشگاه آزاد اسلامی بجنورد.
۶. کتابخانه دانشگاه آزاد اسلامی شیروان.
۷. کتابخانه دانشگاه علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد.
۸. فصلنامه تعلیم و تربیت از سال چهارم ۱۳۶۷ تا سال دهم ۱۳۷۳.
۹. مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.

1. Johnson , David w. (1970) the socioal psychology of Education , Holt , Riehart Wnston , Inc
2. Lytton , H. , and Romney . D.M ,1991 : parent , s differential socialization of boys and girls : A meta _ analysis .
Psychological bulletin , 109 (2) ,267_296.
3. matlin , margartw . (1987) . The psychology of women. piaget , J :1952 Judgment and Reasoning in the child : New york : Humanties press.
4. Martin , c. l. , and Halverson , C.F. , 1987 : the roles of cognition in sex_roles and sex _typing.
5. Money , J. , and E HRHURDT , a.a , 1972 : Man and woman , boy and girl : differentiation and dimorphism of Gender . Identity from conception to maturity . B OLTIMOR : John Hopkins University press .
6. palalia , Diane . E . Olds , sally . Wendkos . (1985) psychology - mc Graw_Hill Inc .
7. Waterman , A.S 1985 : Indentity in the context of adolescent psychology . In A.S Waterman (E.D) , Identity inadolescence : progress and contents : (new directions for child development , no 30) san Francisco .
8. weitn , wayne . (1989) . psychology : themes and variations . California wads worth Inc .